

## اعجاز توسیعی قرآن در مؤلفه‌های نظام تعلیم و تربیت و مسائل علوم تربیتی

سید علی‌اکبر حسینی نیشابوری

استادیار، مجتمع قرآن و حدیث، قم، ایران. dar.almobaleghin@gmail.com

### چکیده

یکی از جنبه‌های اعجاز علمی قرآن اعجاز توسیعی در مؤلفه‌های نظام تعلیم و تربیت و مسائل علوم تربیتی است. مقصود از اعجاز توسیعی، مجموعه گزاره‌های علمی در حوزه مؤلفه‌های نظام تعلیم و تربیت و مسائل علوم تربیتی است که در زمان نزول قرآن هیچ دانشمندی به آن اشاره نکرده و تاکنون نیز دانشمندان تعلیم و تربیت بدان دست نیافته‌اند. در این راستا، هدف پژوهش حاضر بررسی اعجاز توسیعی قرآن در مؤلفه‌های نظام تعلیم و تربیت و مسائل علوم تربیتی است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج حاکی از آن است که مطالب علمی در رابطه با نظام تعلیم و تربیت و مسائل علوم تربیتی به‌ویژه در روانشناسی تربیتی که متخصصان در این رشته، با استفاده از روش‌های تجربی، بعد از نزول قرآن تاکنون به آن‌ها دست پیدا کرده‌اند، اغلب ناقص بوده و به برخی از ابعاد و جنبه‌ها هم اصلاً دست نیافته‌اند. با بررسی‌های انجام شده در قرآن کریم که بیش از چهارده قرن قبل نازل شده ثابت گردید: الف) قرآن کریم در مؤلفه‌های موجود نظام تعلیم و تربیت و مسائل علوم تربیتی موجود، توسعه داده و به‌طور کامل آن‌ها را بیان کرده است که این خود نوعی از اعجاز توسیعی محسوب می‌گردد. ب) قرآن کریم در ازدیاد مؤلفه‌های موجود نظام تعلیم و تربیت و مسائل علوم تربیتی موجود که تاکنون اندیشمندان این رشته به آن نرسیده‌اند، توسعه داده که این هم خود نوعی از اعجاز توسیعی است.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن کریم، علم، اعجاز توسیعی، تعلیم و تربیت، علوم تربیتی.

## ۱. مقدمه

رویکردهای مشهور درخصوص اعجاز تربیتی قرآن عبارتند از: ۱- وجود گزاره‌های علمی مطابق با واقع (اخبار غیبی)، ۲- استنباط نظام برتر از قرآن، ۳- ایجاد تغییرات (یا انقلاب) به وسیله قرآن (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۶، ص ۴۱۶). همچنین به نظر می‌رسد رویکرد دیگری وجود دارد که یکی از ابعاد مهم اعجاز محسوب می‌گردد و تاکنون مورد توجه متخصصان امور تربیتی قرار نگرفته و آن رویکرد توسیعی است که از قرآن کریم در خصوص هریک از مؤلفه‌های نظام تربیتی همچون توسعه در مبانی، اهداف، اصول و روش‌های نظام تعلیم و تربیت و نیز در حوزه مسائل علوم تربیتی همچون توسعه در مبانی تعلیم و تربیت، روش‌های تدریس و... قابل برداشت است. در این راستا، پژوهش حاضر درصدد است اعجاز توسیعی در حوزه تعلیم و تربیت را با تبیین مصادیقی از آن به اثبات برساند، تا باب جدیدی برای استخراج موارد دیگر باز شود و همچنین این رویکرد به عنوان یکی از رویکردهای مهم در اعجاز قرآن در حوزه تربیت مورد توجه صاحب نظران این عرصه قرار گیرد.

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۲-۱. اعجاز در لغت و اصطلاح

اعجاز، مصدر باب افعال از ریشه «عجز» به معنای ناتوان ساختن یا ناتوان یافتن کسی یا چیزی به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۴۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۵۸). اعجاز، در قرآن کریم به معنای نخست آمده است: «إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ وَ مَا أَنتُمْ بِمُعْجِزِينَ»؛ «و شما درمانده‌کنندگان (خدا) نیستید» (انعام، ۱۳۴). یعنی ضعف از الزامات آن است، بنابراین در برخی از مجامع لغوی به ضعف اشاره کرده‌اند. اعجاز در اصطلاح چنین تعریف شده است: امر خارق عادت که همراه با تحدی و سالم از معارضه باشد (سیوطی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳). معجزه چیزی است که مدعی منصب الهی می‌آورد، به طوری که خرق عادت (خرق نوامیس طبیعت) باشد و دیگران از آوردن مثل آن عاجز باشند تا شاهد صدق ادعای آن منصب الهی باشد. آیت‌الله خویی چند شرط را برای صدق ادعا مشخص می‌سازد: ۱- امکان صادق بودن ادعا باشد (محال عقلی نباشد، مثلاً ادعای خدایی نکند)، ۲- آنچه می‌گوید طبق آن انجام دهد، ۳- عمل او از مقوله سحر و علوم دقیقه (غریبه) نباشد، ۴- تحدی (مبارزه طلبی) کند (خویی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۳). معجزه عبارت است از امر خارق العاده‌ای که با اراده خدای متعال از شخص مدعی نبوت ظاهر شود و نشانه صدق ادعای وی باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص ۲۶۳). به نظر می‌رسد تعریف آیت‌الله خویی کامل و جامع باشد، چون ایشان علاوه بر اینکه چند شرط را ضمیمه کرده است، در تعریف، لفظ «منصب الهی» را آورده است که شامل پیامبران و امامان می‌گردد.

## ۲-۲. توسیع

توسیع از ماده «وسع» و خلاف «تضييق» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۳۹۳؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۵۱)، به معنای گستردن و فراخ کردن است (بستانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۹۸۵). بنابراین، توسیع به معنای وسعت و گسترش دادن است.

## ۳-۲. اعجاز توسیعی

مقصود از اعجاز توسیعی، مجموعه گزاره‌های علمی در حوزه مؤلفه‌های نظام تعلیم و تربیتی و مسائل علوم تربیتی است که در زمان نزول قرآن هیچ دانشمندی به آن اشاره نکرده و در زمان حاضر موجب توسعه در حوزه مؤلفه‌های نظام تعلیم و تربیت و نیز در حوزه مسائل علوم تربیتی می‌گردد.

## ۴-۲. تربیت

**تربیت در لغت:** تربیت از ریشه «ربو» به معنای بزرگ کردن متربی و پرورش جسمانی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۰). تربیت از ریشه «ربو» و «ربب» می‌باشد و مصدر باب تفعیل است. اصل معنا در ماده تربیت، سوق پیدا کردن به سوی کمال و برطرف کردن کمبودهاست و فرق نمی‌کند که از نظر ذاتیات یا عوارض یا اعتقادات و معارف یا صفات و اخلاقیات یا اعمال و آداب متداول در انسان یا حیوان یا نبات باشد (مصطفوی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۲۰-۲۲). با توجه به جامعیت تربیت اسلامی و مقدمه بودن پرورش جسمانی برای تربیت و پرورش روح، عقل و قلب، نارسایی ریشه ربو، در تعریف تربیت اسلامی آشکار می‌گردد. از این رو، به نظر می‌رسد واژه تربیت از ریشه اصلی «ربب» باشد که به معنای تدبیر و هدایت الهی انسان به سوی کمال روحی و معنوی موجود است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۱، ص ۱۰).

**تربیت در اصطلاح:** شهید مطهری می‌گوید: تربیت واقعی عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعداد درونی بالقوه در یک شیء را به فعلیت درآوردن و پروراندن (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۶، ج ۲۲، ص ۵۳۲). غزالی در تعریف آن می‌گوید: تربیت یک فن است، فن کنش و واکنش، علم نیست، مهرآمیز و نابخردانه است، تعقل است و با روند آهسته و پیوسته و بالنده با دامنه‌ای به گستره از گهواره تا گور که در آن کسی (متربی) به پرورش همه‌سویه و هماهنگ نهاد خدادادی که خدا در وجود او نهاده است، پردازد. این فرآیند مقدس، نیاز فطری و طبیعی هر انسانی است (رفیعی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۹۷). در رابطه با تعریف تربیت، در مجموع باید گفت: مراد از تربیت، کمک‌رسانی به متربی برای فرآیند به فعلیت رساندن تمام استعدادها و توانایی‌های بالقوه او و ایجاد تعادل و هماهنگی در تمام ابعاد وجودی وی برای وصول به هدف مطلوب است.

### ۳. مؤلفه‌های نظام تربیتی

مقصود از مؤلفه‌های نظام تربیتی، عناصری است که نظام تربیتی از آن‌ها تشکیل شده است. مؤلفه‌های نظام تربیتی عبارتند از: مبانی، اهداف، اصول، ساحت‌ها، مراحل، عوامل و موانع، روش‌ها (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۶۵-۶۹).

### ۴. مسائل علوم تربیتی

علوم تربیتی مجموعه متعارفی است که از پژوهش و اندیشیدن درباره امور مربوط به عملکرد آموزش و پرورش (یا در یک کلمه تربیت) که به اختصار، فرآیند تغییر مطلوب رفتار آدمی است، فراهم شده است (کاردان، ۱۴۰۲، ص ۱). مسأله در هر علم نیز عبارت از قضیه‌ای است که رابطه موضوع آن علم را با یکی از عوارض و احکام آن بیان می‌کند و این‌رو، هر علمی دربردارنده مجموعه‌ای از مسائل است (اعرافی، ۱۳۹۵، ص ۲۷۲). در علوم تربیتی، این مسائل به دو صورت توصیفی و تجویزی وجود دارد که در این تحقیق، اعجاز قرآن در خصوص توسیع در آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۵. توسیع در مؤلفه‌های نظام تربیتی

#### ۵-۱. مبانی تربیتی

#### ۵-۱-۱. در حوزه مبانی هستی‌شناختی تربیت

در حوزه مبانی هستی‌شناختی تربیت، قرآن کریم نگاه مادی به هستی را توسعه داده و فراتر از عوالم مادی، عوالم دیگری را مطرح کرده است: «وَ كَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (انعام، ۷۵). همچنین به آخرت به‌عنوان دنیایی پس از این دنیا اشاره کرده است که این مبنا نیز تأثیر بسیار زیادی در تربیت دارد. آیات مربوط به قیامت بسیار زیاد است، از جمله آیاتی که اشاره دارد: قیامت روزی است که حوادث عظیم و دهشتناکی در آن واقع می‌شود؛ صدای بسیار هولناکی می‌آید: «فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاعَةُ» (عبس، ۳۳)؛ «إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا \* وَ بُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا \* فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا» (واقعه، ۴-۶).

قرآن کریم در توسعه مبانی هستی‌شناختی تربیت، به شعور و آگاهی هستی تأکید می‌کند. در این خصوص به چند دسته از آیات می‌توان اشاره نمود، از جمله آیات مربوط به تسبیح همه موجودات جهان: «تَسْبُحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّعْيُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبُحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» (إسراء، ۴۴) و آیات مربوط به سجده آنچه در آسمان و زمین است: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَ النُّجُومُ وَ الْجِبَالُ وَ الشَّجَرُ وَ الدَّوَابُّ وَ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَ كَثِيرٌ حَقٌّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَ مَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ» (حج، ۱۸) و نیز آیات مربوط

به تحمل شهادت: «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا» (زلزله، ۴)؛ «وَقَالُوا لَجُلُودُهُمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (فصلت، ۲۱).

فقر ذاتی همه موجودات نسبت به پروردگار متعال را گوشزد می‌نماید: «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» (رحمن، ۲۹)؛ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ \* إِنْ يَسَاءُ يُدْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ» (فاطر، ۱۵-۱۶)؛ «ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ» (انعام، ۱۰۲).

همچنین به هدفمندی جهان هستی اشاره می‌کند: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِاعْبِينَ» (دخان، ۳۸)؛ «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ» (ص، ۲۷)؛ «أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ» (روم، ۸). هریک از این مبانی دارای تأثیرات بسزایی در تربیت هستند، مثلاً اعتقاد به شعورمندی هستی و تحمل شهادت موجودات، احساس یک نظارت بر اعمال را در مرتبی ایجاد می‌کند و زمینه‌ساز ترک گناه و ایجاد تقوا خواهد شد. همچنین فقر ذاتی همه موجودات نسبت به خدا موجب می‌شود از ذلت و خواری در برابر دیگران احتراز کند و تنها در برابر پروردگار متعال سر تعظیم فرود آورد.

#### ۲-۱-۵. در حوزه مبانی انسان‌شناختی تربیت

در حوزه مبانی انسان‌شناختی تربیت، اهم مبانی‌ای که به نحو اعجاز توسیعی می‌توان به آن‌ها اشاره کرد، بدین شرح است: دوساحتی بودن انسان، اصالت روح «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر، ۲۹)، وجود فطرت در انسان «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم، ۳۰).

این مبانی، به اهداف، اصول و روش‌های تربیت توسعه می‌دهد و آن‌ها را از انحصار در حوزه جسم خارج می‌کند.

#### ۳-۱-۵. در حوزه مبانی ارزش‌شناختی تربیت

در حوزه مبانی ارزش‌شناختی تربیت، قرآن کریم ارزش‌ها را از ارزش‌های مادی زودگذر توسعه داده و ارزش‌های فرامادی همچون قرب الهی، حیات طیبه، عبودیت، تقوا و معنویت را به‌عنوان ارزش‌های اصیل معرفی می‌نماید: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ \* أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (واقع، ۱۰-۱۱)؛ «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب، ۲۱)؛ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ

ذَكَرْتُ وَأَنْتَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات، ۱۳).

## ۲-۵. اهداف

### ۱-۲-۵. در حوزه هدف غایی

قرآن کریم در جامعه‌ای که هدف غایی آن شهوت‌رانی و جنگ‌طلبی و از این قبیل امور بود، هدف غایی تربیت را توسعه داد و قرب الهی را به عنوان هدف غایی معرفی نمود که در سایه آن، حیات طیبه دنیوی و اخروی نیز تحقق خواهد یافت.

### ۲-۲-۵. در حوزه اهداف میانی (واسطی)

در حوزه اهداف میانی، در هریک از ساحت‌های تربیتی همچون ساحت تربیت اعتقادی، اخلاقی، عاطفی، جسمی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... اهدافی را تعیین کرد که به این جامعیت تا زمان نزول قرآن هیچ‌کس به این اهداف توجه نداشته است.

**الف) توسعه اهداف در ساحت تربیت غریزه جنسی:** قرآن کریم اهداف تربیت جنسی را از صرف تأمین نیازهای جنسی مادی فراتر برده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (روم، ۲۱)؛ «فَاطُرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (شوری، ۱۱).

**ب) توسعه اهداف در ساحت تربیت علمی-عقلانی:** «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَع النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْبَا بِهِ الْأَرْضَ بِعَدِّ مَوَاقِعِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (بقره، ۱۶۴)؛ «سُتْرِبِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (فصلت، ۵۳).

**ج) توسعه اهداف در ساحت تربیت عاطفی:** «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ» (بقره، ۱۶۵)؛ «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (حدید، ۲۳).

**هـ) توسعه اهداف در ساحت تربیت اخلاقی:** قرآن کریم نگاه صرف کاربردی و ابزاری به اخلاق را متحول کرد و اخلاق را با هدف بازدارندگی نسبت به بدی‌ها با توجه به قیامت و همچنین استفاده از آن به عنوان عامل بازدارنده درونی نسبت به معاصی معرفی کرده است: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَ

إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَیَوَانُ لَوْ كَانُوا یَعْلَمُونَ» (عنکبوت، ۶۴)؛ «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهَ وَ هَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» (یوسف، ۲۴).

(و) توسعه اهداف در ساحت تربیت خانوادگی: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره، ۱۸۷)؛ «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٌ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء، ۲۳)؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَتَّبِعُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم، ۶).

(ز) توسعه اهداف در ساحت تربیت اجتماعی: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات، ۱۰)؛ «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَ رُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید، ۲۵)؛ «وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَ بَعْدَ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَ صَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (انعام، ۱۵۲).

توسعه اهداف در ساحت‌های مختلف، نگاه صرفاً مادی، ابزاری و کاربردی به تربیت را تغییر داده و تربیت را مشتمل بر اهداف مادی و معنوی معرفی می‌کند که هدف غایی آن قرب الهی است.

### ۵-۳. اصول

قرآن کریم اصول تربیتی را ارائه نمود که به این جامعیت در هیچ‌یک از مکاتب تربیتی تا زمان نزول قرآن به آن‌ها پرداخته نشده بود. این اصول توسعه‌یافته توسط قرآن عبارتند از:

**الف) توحیدمحوری:** «وَ مَا تَشَاوُرْ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (انسان، ۳۰)؛ «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَ لِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (انفال، ۱۷).

**ب) فطرت‌محوری:** «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم، ۳۰).

**ج) تناسب و اعتدال:** «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (بقره، ۱۴۳).

### ۵-۴. ساحت‌های تربیتی

قرآن کریم ساحت‌های تربیتی عصر نزول را توسعه داده و ساحت‌های تربیت معنوی، تربیت اخلاقی،

تربیت اعتقادی و تربیت دینی را با جامعیت خاصی افزوده است، اگرچه در برخی ادیان گذشته بعضی از این ساحت‌ها با بخشی از محتوای همسان با قرآن مطرح شده است. علاوه بر این، در هریک از این ساحت‌ها مبانی، اهداف، اصول و روش‌هایی را ارائه کرده و در ساحت‌های موجود در آن زمان نیز در داخل خود ساحت در موارد یادشده توسعه ایجاد کرده است.

الف) ساحت تربیت معنوی: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، ۱۵۶)؛ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر، ۱۵).

ب) ساحت تربیت اعتقادی: «سُتْرِبِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَبَيِّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوْ لَمْ يَكُنْ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (فصلت، ۵۳).

## ۵-۵. مراحل تربیتی

قرآن کریم درخصوص مراحل تربیت از عالم زر، نطفه و رحم مادر سخن می‌گوید و بدین ترتیب مرحله‌ای را به مراحل تربیت می‌افزاید:

الف) عالم زر: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» (اعراف، ۱۷۲).

ب) مرحله انتخاب همسر و ازدواج پدر و مادر: «وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَانِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور، ۳۲)؛ «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَ الْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَ الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (نور، ۲۶).

ج) دوران جنینی: «وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ \* ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ \* ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا \* ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون، ۱۲-۱۴).

روایاتی درخصوص تأثیرات تربیتی در دوران جنینی مطرح شده است، از جمله: «الشقی شقی فی بطن امه» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۶، ص ۱۶۲).

## ۵-۶. عوامل و موانع

قرآن کریم عوامل و موانع تربیت را بسیار توسعه داده و به عوامل و موانع بسیاری در تربیت اشاره کرده است که فرامادی هستند و از دسترس دانشمندان تجربی دور می‌باشند. به برخی از این عوامل که به صورت اعجاز توسیعی در قرآن کریم آمده است، به شرح زیر اشاره می‌شود:

الف) خداوند: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي

لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (بقره، ۱۸۶)؛ «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» (غافر، ۵۱)؛ «وَ رَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا» (کهف، ۱۴)؛ «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت، ۶۹)؛ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مريم، ۹۶).

**ب) فرشتگان:** «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت، ۳۰).

**ج) پیامبران و انمه (ع):** «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه، ۲).

همچنین به برخی از موانعی که به صورت اعجاز توسیعی در قرآن کریم آمده است، به شرح زیر اشاره می‌شود:

**الف) لعنت الهی:** «وَ قَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ» (بقره، ۸۸)؛ «أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَاصْمَتْهُمْ وَ أَعْمَى أَبْصَارَهُمْ» (محمد، ۲۳).

**ب) شیطان:** قرآن کریم از شیطان به تفصیل سخن گفته و ابزارها و کیدهای او را مطرح کرده است تا با ایجاد این شناخت، انسان‌ها خود را از شر او حفظ کنند و یا مریبان بتوانند با روش‌هایی متربیان خود را حفظ نمایند: «وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (بقره، ۱۶۸، ۲۰۸)؛ «قَالَ فِيمَا أُغْوِيَنِّي لِأَفْعِدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ» (اعراف، ۱۶)؛ «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ \* إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ» (ص، ۸۲)؛ «وَ لَا ضَلَالَتَهُمْ وَ لَا مُنِيَّيَهُمْ وَ لَا مَرَنَّهُمْ فَلْيَبْتَكَنْ أَذَانُ الْأَنْعَامِ وَ لَا مَرَنَّهُمْ فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا \* يَعِدُهُمْ وَ يُمْنِيهِمْ وَ مَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» (نساء، ۱۲۰-۱۱۹).

## ۷-۵. روش‌ها

در خصوص روش‌های تربیت، در کتاب «تفسیر موضوعی میان‌رشته‌ای قرآن و تربیت» اثر رضایی اصفهانی بیش از ۱۴۰ روش تربیتی از قرآن کریم استخراج شده که بسیاری از آن‌ها در زمان نزول قرآن به هیچ وجه مورد توجه قرار نگرفته و در چند سال اخیر مورد مطالعه دانشمندان علوم تربیتی قرار گرفته است و برخی از آن‌ها هنوز هم در تعلیم و تربیت کشف نشده است؛ بنابراین، می‌توان از موارد توسیع قرآن در روش‌های تربیت به حساب آورد که اعجاز‌آمیز است (رضایی اصفهانی، ۱۴۰۰، ج ۳).

**الف) درون‌نگری:** «سَرِّبَهُمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيد» (فصلت، ۵۳).

ب) تذکر و یادآوری: «وَ ذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (ذاریات، ۵۵)؛ «فَذَكَرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ» (غاشیة، ۲۱).

## ۶. توسیع قرآن در حوزه مسائل علوم تربیتی

گسترش دادن توسط قرآن در حوزه مبانی انسان‌شناختی و شیوه‌های یادگیری اکتشافی در علوم تربیتی مورد بحث قرار می‌گیرد. مقصود از مبانی تعلیم و تربیت از منظر قرآن کریم، شالوده‌ها و پایه‌ها و اصول اساسی است که از نحوه نگرش این کتاب آسمانی به انسان و جهان بدست آمده و نظام تعلیم و تربیت قرآنی بر آن‌ها استوار است (بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۳۰). در ابتدا، برخی از مبانی آموزش یاددهنده‌محور معرفی می‌گردد و بعد از آن، توسیع دادن توسط قرآن در مبانی و همچنین در شیوه‌های یادگیری اکتشافی مطرح می‌شود.

### ۱-۶. بنیادهای انسان‌شناختی آموزش یاددهنده‌محور در روان‌شناسی یادگیری

مبانی انسان‌شناختی آموزش یاددهنده‌محور در روان‌شناسی یادگیری، در سه محور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۱-۶-۱. بنیادهای انسان‌شناختی آموزش یاددهنده‌محور در رفتارگرایی

رفتارگرایی از جمله مکتب‌هایی است که در قلمرو روان‌شناسی و تعلیم و تربیت غرب جایگاه ویژه‌ای دارد. مهم‌ترین ویژگی رفتارگرایی را باید در نگرش آن به سرشت و رفتار انسان و آموزش و تربیت ماشینی او جست. درواقع، رفتارگرایی خواسته است به مهندسی رفتار انسان بپردازد (رهنمایی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۷). علاوه بر این، روان‌شناسان دیگر مانند واتسن، با الگو و رویکردی از روان‌شناسی حیوانی، انسان را شبیه حیوان دانستند (رهنمایی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۷).

#### ۱-۶-۲. بنیادهای انسان‌شناختی آموزش یاددهنده‌محور در نظریه شناختی (خبرپردازی)

نظریه شناختی (خبرپردازی)، انسان را به دستگاه رایانه‌ای تشبیه می‌کند که از درون‌داد، برون‌داد و پردازش تشکیل شده است. در این مکتب، انسان دارای اراده و اختیار (کدیور، ۱۳۹۲، ص ۲۱۸)، عواطف و احساسات (کدیور، ۱۳۹۲، ص ۲۱۴) و توان پردازش اطلاعات (سیف، ۱۳۹۵، ص ۱۹۴) است. در مسأله یادگیری نیز این مکتب قائل به توان یادگیری برای انسان است (کدیور، ۱۳۹۲، ص ۲۱۱، ۲۴۹). شناخت، یک رشته فرآیند ذهنی است و یادگیری، کسب یا فراگیری بازنمایی‌های ذهنی است (سیف، ۱۳۹۵، ص ۱۹۴). ویژگی‌های یادگیرنده از عوامل تأثیرگذار بر یادگیری است، مانند دانش قبلی، نگرش‌ها،

انگیزه‌ها و شیوه‌ها (سیف، ۱۳۹۵، ص ۲۱۴). انسان‌ها دارای استعداد‌های متفاوت برای یادگیری هستند، مشروط بر آنکه به آنان وقت لازم برای یادگیری داده شود (سیف، ۱۳۹۵، ص ۵۲۰). یادگیری موفق از طریق گوش صورت می‌گیرد (سیف، ۱۳۹۵، ص ۵۱۴) و بیشتر به کیفیت آموزش معلم بستگی دارد نه به یادگیرنده (سیف، ۱۳۹۵، ص ۵۱۴)؛ یعنی دانش‌آموزان ظرف‌هایی خالی تصور می‌شوند که باید آن‌ها را با دانش پر کرد (سیف، ۱۳۹۵، ص ۵۱۹).

### ۳-۱-۶. بنیادهای فلسفی آموزش یاددهنده‌محور

بنیادهای فلسفی آموزش یاددهنده‌محور در دو قسمت مورد بحث قرار می‌گیرد.

#### ۱-۳-۱-۶. بنیادهای انسان‌شناختی آموزش یاددهنده‌محور در فلسفه آرمان‌گرایی (ایدئالیسم)

برخی از بنیادهای فلسفی آموزش یاددهنده‌محور در فلسفه آرمان‌گرا ذکر می‌شود:

مبنای اول در فلسفه آرمان‌گرایی، اشرف مخلوقات بودن انسان است؛ یعنی چنین انسانی قادر است سرنوشت خود را تعیین کند. روح انسان از عظمت برخوردار است. شخصیت آدمی در عالی‌ترین مراتب هستی (وجود) است، زیرا او برترین آفریدگان خداوند است و برای احترام و بزرگداشت خداوند باید طبیعت انسانی را محترم شمرد، چراکه ساخته و پرداخته دست خداوند است (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۳۹۱).

مبنای دوم، جدایی جسم و روح است؛ یعنی تن و روان جدا و مستقل از هم و مقابل همدیگر قرار دارند (دوگرایی یا ثنویت)<sup>۱</sup> (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۳۹۰).

در مبنای هشتم، آموزش و پرورش اینگونه تعریف می‌شود: آموزش و پرورش عبارت از نفوذ و اثرگذاری انسان روی انسان است که می‌کوشد او را به خودشکوفایی، ضمن کوشش‌های شخصی، رهبری کند (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۳۹۳).

در مبنای نهم، مدرسه نقش تعیین‌کننده در تربیت انسان دارد؛ یعنی انسان امکان یا استعداد طبیعی فراوانی برای رشد و تکامل اخلاقی و شناختی دارد و نیازمند است ارزش‌های اخلاقی را از مدرسه بیاموزد (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۳۹۳).

#### ۲-۳-۱-۶. بنیادهای انسان‌شناختی آموزش یاددهنده‌محور در فلسفه واقع‌گرایی (رئالیسم)

یکی از بنیادهای الگوی آموزش معلم‌محور را می‌توان در فلسفه واقع‌گرایی<sup>۲</sup> یافت، واقع‌گرایان معلم‌محورند (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۴۰۹). در این منظر، خالی بودن ذهن انسان هنگام تولد مطرح می‌شود.

1. Dualism

2. Realism

ذهن آدمی هنگام تولد همانند لوح سفید یا صفحه نانوشته‌ای است و به تدریج در طول زندگی از حواس مختلف، نقش‌هایی بر آن بسته می‌شوند که ما معمولاً از آن‌ها به معلومات یا محفوظات تعبیر می‌کنیم و این نقش بستن را با اصطلاح یادگیری بیان می‌کنیم (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۴۰۶).

## ۷. توسیع قرآن در مبانی انسان‌شناختی

گسترش قرآن در مبانی انسان‌شناختی به دو نحو صورت می‌گیرد: ۱- توسیع در خود مبانی انسان‌شناختی، ۲- توسیع در اضافه کردن مبانی انسان‌شناختی.

### ۱-۷. توسیع در خود مبانی انسان‌شناختی

#### ۱-۱-۷. مکتب خبرپردازی

در مکتب خبرپردازی چنین ذکر گردیده: یادگیری موفق، بیشتر به کیفیت آموزش معلم بستگی دارد نه به یادگیرنده (سیف، ۱۳۹۵، ص ۵۱۴)؛ یعنی درحقیقت نقش یاددهنده را پررنگ کرده و نقش یادگیرنده را کم‌رنگ، درحالی‌که مبانی قرآنی برای انسانی که برخوردار از فطرت: «فَأَقْمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم، ۳۰)، حکمت: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِیْكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَیْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّیْكُمْ وَ يَعْلَمُكُمْ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يَعْلَمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» و اراده و اختیار: «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان، ۳) می‌باشد، در یادگیری نقش اساسی و مهمی قائل شده است؛ یعنی برای اراده و اختیار متری در کنار اهمیت داشتن معلم و محیط، اهمیت زیادی قائل است. بنابراین قرآن کریم در این مبنا قائل به گسترش است.

#### ۲-۱-۷. مکتب ایدئالیسم

در مکتب ایدئالیسم چنین بیان شده است: مدرسه نقش تعیین‌کننده در تربیت انسان دارد؛ یعنی انسان امکان یا استعداد طبیعی فراوانی برای رشد و تکامل اخلاقی و شناختی دارد و نیازمند است ارزش‌های اخلاقی را از مدرسه بیاموزد (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۳۹۳).

درحقیقت برای اراده متری اهمیت زیادی قائل نشده است. اما در مبانی قرآنی انسان‌شناختی علاوه بر اهمیت نقش مربی و محیط، به اراده متری هم اهمیت قابل‌توجهی داده شده است که مؤید این مطلب داستان حضرت یوسف (ع) می‌باشد. محیط زندگی او برای هدف خاصی مهیاء شده بود، ولی حضرت به خاطر ارتباطش با خداوند و اراده قوی که داشت، توانست از آن محیط تأثیر نپذیرد و آلوده به گناه نگردد. طبق این مبنا، لازم است که به اراده متری اهمیت داده شود. لذا، قرآن کریم در این مبنا توسیع داده است.

## ۲-۷. توسیع در اضافه کردن مبانی انسان‌شناختی

## ۲-۷-۱. مکتب رفتارگرایی

در مجموع، انسان‌شناسی رفتارگرا، راه درک و شناسایی بسیاری از زوایا و ظرافت‌های روحی، معنوی و کمال‌جویانه بشر را به روی خود بسته است. تأسف‌بارتر اینکه در نگرش رفتارگرایانه، انسانیت با یک سبک علمی و روان‌شناختی مورد انکار یا غفلت قرار می‌گیرد و اصول ارزش‌های انسانی نیز به منزله تابعی از نگرش مزبور، به‌طور کلی رنگ و رو می‌بازد (رهنمایی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۶). بنابر این اساس، به مبانی تعلیم و تربیت قرآنی مثل دوساحتی بودن و اصالت روح: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر، ۲۹)؛ «ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» (مؤمنون، ۱۴) و کمال‌جویی: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (انشقاق، ۶) توجه نشده است.

انسان در این نگاه، موجودی است که تحت تأثیر وضع جاری زندگی و مقتضیات زمانی، به‌صورت شرطی شده برنامه‌زدگانی خود و ارتباطات انسانی خویش را تنظیم و اجرا می‌کند. بدین ترتیب، هیچ اراده و تدبیر انسانی یا ماورای انسانی در کار اداره، تنظیم و تدبیر رفتار انسان مدخلیتی ندارد، بلکه شرایط تربیتی موجود به رفتار و خلق‌و‌خوی او شکل می‌دهد و روابط میان‌فردی وی را سامان می‌بخشد (رهنمایی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۷). بر این اساس، انسان همانند ماشین، بی‌خاصیت و منفعل فرض شده است و در تعلیم و تربیت، توسط مربی آموزش داده می‌شود. اما بر مبنای تعلیم و تربیت قرآنی، انسان دارای ویژگی‌های فطرت، اراده و اختیار، خردورزی، کرامت، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری است؛ یعنی یادگیرنده نقش فعالی در یادگیری دارد. بنابراین در این مورد نیز به چند مبنا توجه نشده که عبارتند از: فطرت، اراده و اختیار، خردورزی، کرامت، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری.

مکتب رفتارگرایی رفتار آدمی را به آنچه قابل مشاهده و اندازه‌گیری است، محدود می‌سازد. این تصور از رفتار آدمی، جز توضیح آنچه کودکان در دوره‌های اولیه رشد فرا می‌گیرند و آنچه در سایه شرطی شدن در اوضاع و احوال اجتماعی صورت می‌گیرد، بخش عمده رفتار انسان را که ناشی از فهم، انتخاب، سنجش و پیش‌بینی است، از نظر دور می‌دارد (شریعت‌مداری، ۱۳۹۳، ص ۱۱۰). براساس این مبنا، تعقل: «إِنْ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (انفال، ۱۲۲) و اراده و اختیار: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان، ۳) که توسط قرآن مطرح گردیده، مورد توجه قرار داده نشده است.

در مکتب رفتارگرایی، تنزل منزلت انسان مطرح شده است. رویکرد حیوان‌گرایی در زمینه شناسایی انسان و شخصیت و رفتار او، همچون رویکرد ماشین‌گرایی، به‌نوعی مسخ انسانیت انسان و تنزل دادن مقام اوست (رهنمایی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۶). طبق این مبنا، منزلت انسان تنزل داده شده است، ولی بر مبنای قرآنی

هر انسانی یک کرامت تکوینی و یک کرامت اکتسابی دارد.

قرآن کریم در موارد فوق، توسیع در مبانی تعلیم و تربیت داشته که عبارتند از: دوساحتی بودن انسان و اصالت روح: «إِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر، ۲۹)؛ «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» (مؤمن، ۱۴)، فطرت: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم، ۳۰)، کمال جویی: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (انشقاق، ۶)، حکمت: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره، ۱۵۱)، اراده و اختیار: «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكَرُوا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان، ۳)، تأثیرگذاری: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ» (مائده، ۱۰۵) و کرامت تکوینی و اکتسابی: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء، ۷۰)؛ «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره، ۳۰).

#### ۷-۲-۲. مکتب خبرپردازی

در مکتب خبرپردازی چنین ذکر گردیده: یادگیری موفق از طریق گوش صورت می‌گیرد (سیف، ۱۳۹۵، ص ۵۱۴)؛ یعنی درحقیقت نقش گوش را در یادگیری بسیار پررنگ کرده است، درحالی که یادگیری طرق مختلفی دارد که فقط در گوش منحصر نمی‌گردد. اما در قرآن یکی از مبانی که مطرح شده است، نیازمندی انسان به وحی می‌باشد؛ یعنی انسان از طریق وحی می‌تواند یادگیری موفق داشته باشد.

مبانی قرآنی که در نظریه خبرپردازی مورد توجه قرار نگرفته است و قرآن آن‌ها را ذکر کرده، عبارتند از: دوساحتی بودن انسان و اصالت روح: «إِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر، ۲۹)؛ «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» (مؤمن، ۱۴)، فطرت: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم، ۳۰)، کمال جویی: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (انشقاق، ۶)، مقدمه بودن زندگی دنیوی برای زندگی اخروی: «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ» (آل عمران، ۳۰)، نیازمندی انسان به وحی: «رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ لِّنَا عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» (نساء، ۱۶۵)، اجتماعی بودن: «وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُلْحِيًّا» (زخرف، ۳۲) و ...

#### ۷-۲-۳. مکتب ایدئالیسم

در مکتب ایدئالیسم، از روح و جسم انسان نام برده شده و برای روح عظمت قائل گردیده است، اما متأسفانه جدایی روح و جسم را پذیرفته و آن دورا در مقابل هم قرار داده است؛ یعنی همان ثنویت، اما در

مبانی قرآنی انسان‌شناختی، مبنایی با عنوان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری متقابل روح و جسم وجود دارد که مطلب فوق را نقض می‌کند. در این مکتب، آموزش و پرورش چنین تعریف شده است: آموزش و پرورش عبارت از نفوذ و اثرگذاری انسان روی انسان است که می‌کوشد او را به خودشکوفایی، ضمن کوشش‌های شخصی، رهبری کند (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۳۹۳). نقش خداوند در این تعریف نادیده گرفته شده است، درحالی‌که قرآن کریم دعا کردن و کمک خواستن از خداوند و نقش خدا در تربیت انسان را نقش اساسی می‌داند و خطاب به پیامبرش می‌فرماید: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»؛ و هنگامی که بندگانم، از تو درباره من بپرسند، پس (بگو): درحقیقت من نزدیکم؛ دعای دعاکننده را به هنگامی که [مرا] می‌خواند، پاسخ می‌گویم. پس باید (دعوت) مرا بپذیرند و باید به من ایمان بیاورند، باشد که آنان راه یابند (و به مقصد برسند)» (بقره، ۱۸۶).

#### ۷-۴. مکتب رئالیسم

از منظر مکتب رئالیسم، ذهن آدمی هنگام تولد همانند لوح سفید یا صفحه نانوشته‌ای است (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۴۰۶). اما از منظر مبانی قرآنی چنین نیست، بلکه انسان دارای فطرتی توحیدی است که استعداد رشد و شکوفایی دارد. در مکتب واقع‌گرایی به روح انسان، عواطف و سایر منابع علم مانند وحی و نقش خود انسان در یادگیری اشاره نشده است. بنابراین قرآن کریم در مبانی تعلیم و تربیت گسترش داده است که برخی از آن‌ها عبارتند از: اصالت روح: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر، ۲۹)؛ «ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» (مؤمنون، ۱۴)، فطرت: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم، ۳۰)، نیازمندی انسان به وحی: «رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ لِّنَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» (نساء، ۱۶۵)، حکمت: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَ يُزَكِّيْكُمْ وَ يَعْلَمُكُمْ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يَعْلَمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره، ۱۵۱) و تأثیرپذیری: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا تَضُرُّكُمْ مِّنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ» (مائده، ۱۰۵).

#### ۸. شیوه‌های یادگیری اکتشافی

در نظریه یادگیری اکتشافی جروم برونر<sup>۱</sup> (روانشناس آمریکایی) فقط به موقعیت معماگونه و سؤال‌برانگیز اشاره شده است، ولی در قرآن کریم افزون بر آن، با استفاده از شیوه‌های دیگری مانند طرح پرسش: «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا» (انسان، ۱)، تمثیل: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا

مَتَّعِدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» (نساء، ۹۳)؛ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاستَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَفِيدُوا مِنْهُ ضَعْفَ الطَّالِبِ وَالْمَظْلُوبِ» (حج، ۷۳)، مقایسه: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَ مِنْ رَزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَ جَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (نحل، ۷۵)؛ «مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَ الْأَصْمِ وَ الْبَصِيرِ وَ السَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» (هود، ۲۴)، قصه گویی: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ \* قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتُحَكِّمَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجَ» (قصص، ۲۶-۲۷)؛ «قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَ إِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ \* قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَ آتَانِي مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَحْسِيرٍ \* وَ يَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَ لَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ \* فَعَقَرُوهَا فَقَالَ مَتَمَعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ وَعدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ» (هود، ۶۲-۶۵)، مشاهده همراه با تفکر: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ» (غاشیه، ۱۷)؛ «قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَ إِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى \* قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَ عَصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى \* فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى \* قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى \* وَ أَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلَقَّفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٍ وَ لَا يَفْلَحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى \* فَأَلْقَى السَّحَرَةُ سُجْدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَ مُوسَى» (طه، ۶۵-۷۰)، تقدیم و تأخیر: «الرَّائِيَّةُ وَ الرَّأْيَانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَ لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لَيْسَ هَذَا عَذَابُهُمَا طَائِفَةً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور، ۲)؛ «وَ السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (مائدة، ۳۸) و اجمال گویی: «وَ الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكَ ثُمَّ يَعْظُونَ بِهِ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (مجادله، ۳)؛ «وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَّةٌ مُسْلَمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٌّ لَكُمْ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ إِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَّةٌ مُسْلَمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ وَ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نساء، ۹۲)، زمینه‌های تفکر و اکتشاف برای مخاطبین فراهم گردیده است (حسینی نیشابوری، ۱۴۰۱، ص ۱۷۷؛ حسینی نیشابوری و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۸).

## ۹. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر درصدد نظریه‌پردازی درخصوص یک نوع از اعجاز در علوم بود که تاکنون مورد

بررسی قرار نگرفته و از آن تعبیر به اعجاز توسیعی شده است. این نوع از اعجاز در نظام تعلیم و تربیت اسلام و مسائل علوم تربیتی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج به شرح ذیل حاصل شد:

۱. مطالب علمی در قرآن کریم به‌ویژه در تعلیم و تربیت دو چیز را اثبات می‌کند: الف) معجزه بودن قرآن کریم، ب) اینکه قرآن کریم از جانب خداوند نازل گردیده است.

۲. مطالب علمی در رابطه با نظام تعلیم و تربیت و مسائل علوم تربیتی در روان‌شناسی تربیتی که متخصصان در آن رشته از راه علوم تجربی (بعد از نزول قرآن) تاکنون به آن‌ها دست پیدا کرده‌اند، اکثراً ناقص می‌باشد.

۳. با بررسی‌های انجام شده در قرآن کریم که بیش از چهارده قرن قبل نازل شده است، ثابت گردید: الف) قرآن کریم در مؤلفه‌های موجود نظام تعلیم و تربیت و مسائل علوم تربیتی موجود، توسعه داده و به‌طور کامل آن‌ها را بیان کرده است که این خود نوعی از اعجاز تربیتی محسوب می‌گردد. ب) قرآن کریم در ازدیاد مؤلفه‌های موجود نظام تعلیم و تربیت و مسائل علوم تربیتی موجود که تاکنون اندیشمندان این رشته به آن نرسیده‌اند، توسعه داده است که این هم خود نوعی از اعجاز تربیتی است.

۴. با توجه به اینکه قرآن کریم معجزه پیامبر(ص) تا روز قیامت است و نیز مطالب علمی در رابطه با نظام تعلیم و تربیت و مسائل علوم تربیتی را بیان کرده است، می‌تولد پژوهشگران و متخصصان در امر تعلیم و تربیت، در مباحث قرآنی دقت و تفکر بیشتری داشته باشند و درصدد کشف حقایق بیشتری از قرآن کریم برآیند.

بنابراین همان‌طور که تاکنون در رابطه با مسائل علمی قرآن، ابعادی از اعجاز به اثبات رسیده است، یکی دیگر از ابعاد آن، اعجاز توسیعی در نظام تعلیم و تربیت و مسائل علوم تربیتی است که متخصصان در این رشته می‌توانند در مباحث دیگر، آن را مورد دقت و بررسی قرار دهند و همچنین اندیشمندان در رشته‌های دیگر می‌توانند این نوع از اعجاز علمی قرآن را مورد بحث قرار دهند.

## — منابع —

### قرآن کریم.

- ابن منظور، محمد بن مكرم، (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بيروت: انتشارات دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، چاپ سوم، ج ۹-۸.
- اعرافی، علیرضا (۱۳۹۵). *فقه تربیتی*. قم: انتشارات مؤسسه اشراق و عرفان، چاپ سوم.
- بستانی، فؤاد آرام (۱۴۱۷ق). *فرهنگ ابجدی*. ترجمه رضا مهیار. تهران: انتشارات منشورات اسلامی، ج ۱، چاپ دوم.
- بهشتی، محمد (۱۳۸۷). *مبانی تربیت از دیدگاه قرآن*. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بيروت: انتشارات دارالفکر، ج ۱۱.
- حسینی نیشابوری، سید علی اکبر (۱۴۰۱). *شیوه‌های تربیت یادگیری اکتشافی در حوزه احکام حقوقی از منظر قرآن کریم*. *قرآن و علم*، شماره ۳۱.
- حسینی نیشابوری، سید علی اکبر و همکاران (۱۴۰۲). *شیوه‌های یادگیری اکتشافی در حوزه توحید از منظر قرآن کریم*. *الدراسات القرآنية المعاصرة*، شماره ۵.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۴). *البيان فی تفسیر القرآن*. قم: انتشارات المطبعة العلمية.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. تحقیق: صفوان عدنان داودی. دمشق، بيروت: انتشارات دارالقلم.
- رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۹۶). *علوم قرآن (اعجاز قرآن در علوم طبیعی و انسانی)*. قم: انتشارات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، چاپ دوم.
- رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۴۰۰). *قرآن و تربیت (تفسیر موضوعی میان‌رشته‌ای قرآن و علم)*. قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی، ج ۳.
- رفیعی، بهروز (۱۳۹۲). *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*. قم: تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ سازمان مطالعه و کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ج ۳.
- رهنمایی، سید احمد (۱۳۸۸). *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم.
- سیف، علی اکبر (۱۳۹۵). *روانشناسی پرورشی نوین*. تهران: انتشارات دوران، چاپ دهم.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۷ق). *الاتقان فی علوم القرآن*. بيروت: انتشارات دارالکتب العلمية، ج ۳.
- شریعتمداری، علی (۱۳۹۳). *رسالت تربیتی و علمی مراکز آموزشی*. تهران: انتشارات سمت.
- شعاری‌نژاد، علی اکبر (۱۳۹۱). *فلسفه آموزش و پرورش*. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوازدهم.
- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶ق). *الوافی*. انتشارات مکتبه الإمام امیرالمؤمنین، ج ۲۶.
- کاردان، علی محمد (۱۴۰۲). *علوم تربیتی: ماهیت و قلمرو*. تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سیزدهم.
- کدیور، پروین (۱۳۹۲). *روانشناسی یادگیری: از نظریه تا عمل*. تهران: انتشارات سمت.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۳). *آموزش عقاید*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ چهاردهم.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱). *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان، چاپ دوم.

- مصطفوی، حسن (۱۴۱۰ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: انتشارات وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، ج ۴.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶). *مجموعه آثار*. تهران: انتشارات صدرا.
- مهدی‌زاده، حسین (۱۳۸۱). کاوشی در ریشه قرآنی واژه «تربیت» و پیامد معنایی آن. *معرفت*، شماره ۵۹.

## الإعجاز التوسعي للقرآن في مكونات نظام التعليم والتربية وقضايا العلوم التربوية

سيد علي أكبر حسيني النيشابوري

أستاذ مساعد، مجمع القرآن والحديث، قم، إيران. dar.almobaleghin@gmail.com

### الملخص

أحد جوانب الإعجاز العلمي للقرآن هو الإعجاز التوسعي في مكونات نظام التعليم والتربية وقضايا العلوم التربوية. المقصود بالإعجاز التوسعي هو مجموعة من المقترحات العلمية في مجال مكونات نظام التعليم والتربية وقضايا العلوم التربوية التي لم يكن أي عالم قد أشار إليها وقت نزول القرآن، ولم يتمكن العلماء المعاصرون في مجال التعليم والتربية من الوصول إليها حتى الآن. في هذا السياق، هدف البحث الحالي هو دراسة الإعجاز التوسعي للقرآن في مكونات نظام التعليم والتربية وقضايا العلوم التربوية. طريقة البحث هي وصفية-تحليلية، وأظهرت النتائج أن المحتوى العلمي المتعلق بنظام التعليم والتربية وقضايا العلوم التربوية، خاصة في علم النفس التربوي، الذي توصل إليه المتخصصون في هذا المجال باستخدام أساليب تجريبية بعد نزول القرآن حتى اليوم، غالبًا ما يكون ناقصًا، ولم يصل العلماء إلى بعض أبعاده وجوانبه مطلقًا. من خلال الدراسات التي أجريت في القرآن الكريم الذي نزل قبل أكثر من أربعة عشر قرنًا، ثبت ما يلي: أ. أن القرآن الكريم قد طور وشرح بشكل كامل المكونات الموجودة في نظام التعليم والتربية وقضايا العلوم التربوية، مما يعد نوعًا من الإعجاز التوسعي. ب. أن القرآن الكريم قد طور مكونات نظام التعليم والتربية وقضايا العلوم التربوية التي لم يصل إليها المفكرون في هذا المجال حتى الآن، مما يعد أيضًا نوعًا من الإعجاز التوسعي.

**الكلمات الرئيسية:** القرآن الكريم، العلم، الإعجاز التوسعي، التعليم والتربية، العلوم التربوية.

## The Expansive Miracle of the Quran in the Components of the Education System and Educational Sciences

Seyyed Ali Akbar Hosseini Neyshaburi

Assistant Professor, Research Institute for Quran and Hadith, Qom, Iran.  
dar.almobaleghin@gmail.com

### Abstract

One aspect of the Quran's scientific miracles is its expansive miracle (i'jāz tawsi'i) concerning the components of the education system and issues in educational sciences. The term i'jāz tawsi'i refers to the collection of scientific propositions in the field of educational system components and educational sciences that were neither addressed by any scholar at the time of the Quran's revelation nor fully discovered by educational scientists to this day. The present study aims to examine the expansive miracle of the Quran regarding the components of the education system and issues in educational sciences. Employing a descriptive-analytical method, the study finds that the scientific content related to the education system and educational sciences—particularly in educational psychology—achieved by specialists in these fields through empirical methods since the Quran's revelation is often incomplete, with certain dimensions and aspects entirely overlooked. A thorough examination of the Quran, revealed over fourteen centuries ago, demonstrates the following: a) The Quran has expanded upon the existing components of the education system and educational sciences, providing a comprehensive account of them. This constitutes a form of i'jāz tawsi'i. b) The Quran has augmented the existing components of the education system and educational sciences, addressing aspects that scholars in these fields have yet to uncover. This, too, represents a type of i'jāz tawsi'i.

**Keywords:** The Holy Quran, science, expansive miracle, education, educational sciences.

**Received:** 2023/03/03 ; **Revision:** 2023/04/06 ; **Accepted:** 2023/05/15 ; **Published online:** 2023/06/26

**Publisher:** Teacher-Propagator Training Center of Seminaries  
<https://tarbiatmotali.ismc.ir/>

**Article type:** Research Article  
© the authors



<http://tarbiatmotali.ismc.ir/>